

ایران: ستون دوم همکاری در آسیا

نویسنده: موریل میراک و ایسباخ

ترجمه: لادن مختاری

منبع: EIRNA (سازمان خبرگزاری "Executive Intelligence Review" در ویزبادن - آلمان)

جستار زیر برگردان فصل پایانی کتاب «جاده ابریشم نو» می باشد که ترجمه متن کامل آن بزودی منتشر خواهد شد.

(مسیر C) که ضمن گذر از ترکیه به سوی اروپا و آفریقا می رود. ایران به یمن موقعیت ژئواستراتژیک خود، دروازه آسیای مرکزی است و برعکس برای جمهوریهای آسیای مرکزی که در خشکی محصورند، دروازه ای به سوی جهان خارج و بازار جهانی می باشد.

خطوط آهن برای ایجاد پل ایران

مهمترین وظیفه ای که پس از فروپاشی اتحاد شوروی برای رهبری ایران مطرح شد، ساخت یک مسیر ارتباطی مرکزی در شبکه راه آهن بود تا مسیرهای آسیا و آسیای مرکزی را به شبکه راههای ایران مرتبط سازد. این وظیفه در مه ۱۹۹۶ با افتتاح مسیر «مشهد - سرخس - تاجن» با موفقیت به انجام رسید. ۳۰ تن از سیاستمداران عالی رتبه خارجی از جمله بسیاری از رؤسای جمهور در مراسم افتتاح این مسیر که در عین حال شرایط افزایش شدید سطح تجارت با آسیای مرکزی، روسیه و چین را فراهم می آورد، شرکت کردند. نماینده وزیر خارجه ایران در اجلاس پل کشوری در مه ۱۹۹۶ که در پکن برگزار شد، گفت: «باراه اندازی این خط آهن، بندر لیانیونگاگ (Lianyungang) در شرق چین با عبور از شهرهای اورومکی

(پیدینگ جی) (Peiding Ji) معاون وزیر خارجه چین در دیداری از تهران در ژوئن ۱۹۹۷ طی مذاکره در مورد همکاری های دوجانبه، ایران و چین را «دو ستون همکاری» کشورهای آسیایی خواند. در واقع نیز جمهوری اسلامی ایران از اواخر سال ۱۹۹۱ پس از اعلام استقلال پنج جمهوری آسیای مرکزی بشدت سرگرم ایفای چنین نقشی بوده است. ایران نیز مانند چین بسرعت با برقراری رابطه دیپلماتیک با این جمهوریهای جدید، برنامه گسترده ای را برای همکاری اقتصادی در جهت ایجاد تحول در زیرساخت اقتصادی منطقه آغاز کرد.

سیاست اقتصاد خارجی توفنده ایران به منظور ساخت پل «اوراسیا» نتیجه شناسایی وضعیت جغرافیایی منحصر به فرد این کشور از سوی حکومت آقای رفسنجانی، رئیس جمهور سابق و نیز آقای خاتمی، جانشین وی می باشد. ایران از غرب با عراق و ترکیه، از شمال غربی با ارمنستان و آذربایجان و در آن سوی دریای خزر با روسیه و قزاقستان هم مرز است. ترکمنستان در ست در شمال ایران واقع شده است و افغانستان و پاکستان مرز شرقی ایران را مشخص می کنند. خلیج فارس، دریای عمان و دریای عرب، جنوب ایران را احاطه کرده اند. به این ترتیب دو مسیر بزرگ از سه خط آهن فرافاره ای چین به اروپا، از ایران می گذرد. این دو مسیر راه آهن عبارت است از شمال قفقاز (مسیر B) و جنوب

ایران: دروازه آسیای مرکزی



(Urumqi)، آلماتی، تاشکند، سرخس، مشهد و تهران به بندرعباس در خلیج فارس می‌پیوندد؛ و به این ترتیب ضمن باز شدن راه کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی به دریا، این مسیر با عبور از تهران و استانبول، امکان دسترسی به کل اروپا تا روتردام را فراهم ساخته است.»
وی با غرور این مسیر ارتباطی ۳۰۰ کیلومتری را «جاده ابریشم آهنین» نامید.

ایران در عین حال به اقدامات درازمدت خود برای تکمیل و نوسازی شبکه راه آهن کشور ادامه می‌دهد تا با کوتاه ساختن مسیرها و زمان نقل و انتقال از داخل کشور به بنادر، به طور همزمان دیگر فضاهای خالی در زنجیره عظیم فراقاره‌ای خطوط ارتباطی را با ساخت دیگر بخشهای ارتباطی پر کند.

در پایان سال ۱۹۹۵ یک مسیر ۶۳۵ کیلومتری از بافق به بندرعباس گشایش یافت. انجام این پروژه به منظور تکمیل خط آهن بافق در مسیر شمال تا مشهد که زمان حمل و نقل از آسیای مرکزی به خلیج فارس را بسیار کوتاه می‌سازد ادامه دارد. خط آهن مشابهی نیز میان اصفهان و شیراز و از آنجا به میبد به طول ۲۵۴ کیلومتر در ژوئن ۱۹۹۷ به پایان رسیده است. سرانجام یک مسیر مستقیم نیز میان تهران و قم احداث می‌شود.

از جمله مسیرهای جدیدی که بر نامه‌ریزی شده است، مسیر قزوین به آستارا در حاشیه دریای خزر است که در آنجا به شبکه راه آهن آذربایجان می‌پیوندد. یک مسیر دیگر خارجی که در برنامه قرار دارد از جلفا واقع در شمال غرب ایران آغاز می‌شود و با گذر از بازرگان به ترکیه می‌رود.

مهمترین مسیر استراتژیک بر نامه‌ریزی شده در راه آهن جدید، یک راه ارتباطی به پاکستان است. مسیر کرمان به زاهدان با گذر از بم و فهرج، هم‌اکنون در دست احداث است. پس از زاهدان این مسیر ضمن عبور از پاکستان تا هند ادامه پیدا می‌کند. در عین حال یک انشعاب جنوبی از این مسیر، از فهرج به شهر بندری چابهار طراحی شده است. ساخت دیگر مسیرهای ارتباطی به هند در حال حاضر در دست بحث و بررسی است.

روی هم رفته با این پروژه (که بخشی از برنامه اقتصادی ۲۵ ساله «ایران ۱۴۰۰» است) طول شبکه راه آهن کشوری به حدود ۲۳ هزار کیلومتر بالغ می‌گردد که دستکم قریب به چهار برابر راههای موجود امروز کشور (۶۷۰۰ کیلومتر) است. پروژه بلندپروازانه راه آهن، نیازمند توسعه چشمگیر راه‌سازی در شبکه راه آهن است. افزون بر قطارهایی که ایران از چین و اوکراین می‌خرد، خود نیز در شهر اراک لوکوموتیو تولید می‌کند. در اصفهان ساخت ریل آغاز شده و هم‌اکنون نیز احداث یک کارخانه جدید در اهواز بر نامه‌ریزی شده است. گذشته از این، تأسیسات وسیعی برای انتظار و تعمیر قطارها وجود دارد؛ همچنین

تأسیسات اطلاع‌رسانی سوزن‌بانی نیز در خود کشور تولید می‌شود. ساخت فرودگاههای جدیدی هم که قرار است چهار مورد آنها (از جمله فرودگاه اراک) در ۱۹۹۸ راه اندازی شود، از جمله دیگر اقدامات تکمیلی بر نامه‌ریزی شده است.

خطوط لوله برای پیشرفت

در حالی که گشایش «جاده ابریشم آهنین» برای جمهوریهای آسیای مرکزی، افزایش شدید تجارت آنها، و برای ایران، دو برابر شدن حجم حمل و نقل کالا (در مقایسه با سال ۱۹۹۸) را به ارمان آورده است، گشایش راههای ارتباطی جدید از طریق خطوط لوله، برای آینده اقتصادی جمهوریهای محصور در خشکی نقش تعیین کننده‌ای دارد.

در ۲۹ دسامبر ۱۹۹۷ چنین خط لوله‌ای گشایش یافت. این خط لوله برای انتقال گاز و نفت، همان نقش مهمی را دارد که خطوط آهن مشهد-تجن برای انتقال کالا. در غرب ترکمنستان، آقای خاتمی، رئیس جمهور ایران و «نیازاف»، همتای ترکمن وی به اتفاق، انتقال گاز از جمهوریهای آسیای مرکزی به ایران را به مرحله اجرا در آوردند. این خط لوله به عنوان اولین خط لوله جمهوریهای شورایی سابق، از خاک روسیه عبور نمی‌کند. طول مسیر آن ۲۰۰ کیلومتر است و گاز کورپادزه (Korpadzhe) واقع در غرب ترکمنستان را به «گردکوی» در ایران منتقل می‌سازد.

در ابتدا ترکمنستان سالانه سه میلیارد متر مکعب گاز به ایران می‌فرستد ولی قرار است بعدها این میزان به ۱۲ میلیارد متر مکعب افزایش یابد.

در همین زمان وزرای انرژی دو کشور به اتفاق همتای ترک خود، پروتکل قابلیت اجرای پژوهشی (که قرار است شرکت «شل» آن را در مدت ۹ ماه تهیه کند) را در مورد بیش از ۱۵۰۰ کیلومتر خط لوله برای انتقال گاز ترکمنستان به اروپا از طریق ایران و ترکیه به امضا رساندند. در این صورت از طریق این خط لوله که ۱/۶ میلیارد دلار هزینه می‌برد، می‌توان روزانه ۹۰۰ هزار متر مکعب گاز صادر کرد. چندی پیش «مسعود بیلماز»، نخست‌وزیر ترکیه یک موافقتنامه دو جانبه میان ترکمنستان و ترکیه را به امضا رساند. طبق این موافقتنامه ترکیه از سال ۲۰۰۰ سالانه ۱۵ میلیارد متر مکعب گاز از ترکمنستان خریداری می‌کند. با وجود آن که طبق بررسیهای به عمل آمده، این گاز از طریق خط لوله‌ای ارسال خواهد شد که از دریای خزر کشیده می‌شود، اما احتمال می‌رود ترکیه نیز با ارسال گاز از طریق خط لوله گذرنده از خاک ایران موافقت کند، زیرا این اقدام با یک میلیارد دلار صرفه‌جویی توأم

خواهد بود.

در ابتدای ژانویه ۱۹۹۸ «نیاز آف»، رئیس جمهور ترکمنستان اعلام کرد که روسیه نیز در این پروژه ۱/۶ میلیارد دلاری شرکت می کند: «روسیه در احداث خط لوله ای که با عبور از ایران از ترکمنستان به ترکیه می رود، مشارکت خواهد کرد. این کار با مشکل روبرو نمی شود... زیرا بازار قابلیت جذب گاز روسیه و نیز ترکمنستان را دارد.»

کمی پیشتر در ۲۸ دسامبر ۱۹۹۷ رؤسای جمهور ایران و ترکمنستان یک مسیر کابل کشی (با عایق پشم شیشه) را به طول ۷۱۵ کیلومتر افتتاح کردند. این مسیر بخشی از «مجموع ۱۷ هزار کیلومتر شبکه ماورای اوراسیا» می باشد که شانگهای را به فرانکفورت می پیوندد. به این ترتیب پروژه ترکمنستان-ایران به بخش اصلی شبکه ارتباطی اوراسیا تبدیل می گردد. قرارداد خرید گاز که ساخت و تکمیل زیرساخت مهم انرژی را برای هر سه کشور در بر می گیرد، در اوت ۱۹۹۶ و در دیدار مقامات ایران با «اریکان»، نخست وزیر وقت ترکیه منعقد شد. دو کشور توافقنامه ای با بیش از ۲۰ میلیارد دلار هزینه به امضای رساندند که براساس آن ترکیه طی بیش از ۲۳ سال از ایران گاز خریداری خواهد کرد (در ابتدا ۱۰ میلیارد متر مکعب در سال). طبق این قرارداد، گاز از ایران و نیز ترکمنستان منتقل خواهد گردید؛ دو دولت، سابق بر این نیز قرارداد مشابهی امضا کرده بودند. بعلاوه آنها در مورد مبارزه با تروریسم هم به اتفاق نظر رسیدند. در زمان این دیدار در اوت ۱۹۹۶ ایران و ترکیه در مورد ایجاد خطوط آهن میان تبریز و دریاچه «ون» و نیز دستیابی به جریان برق فشار قوی تصمیم گیری کردند. این طرح، شبکه های برق دو کشور را طوری به یکدیگر مرتبط می سازد که ایران بتواند به ترکیه برق صادر کند.

با این شیوه ترکیه به ذخایر زیرزمینی و بازارهای آسیای مرکزی، و ایران به بنادر دریای سیاه و مدیترانه دست می یابد؛ و ترکمنستان نیز می تواند به منظور کسب منابع مالی مورد نیاز برای توسعه کشور، گاز خود را به فروش رساند.

توافقنامه سه جانبه مزبور که می توان آن را نمونه ای از سیاست اقتصاد خارجی ایران محسوب کرد، برای جمهوریهای جدید آسیای مرکزی از اهمیت حیاتی برخوردار است. این جمهوریها از ثروت گزاف ذخایر زیرزمینی برخوردارند (علاوه بر نفت و گاز، طلا، نقره، پلاتین و بسیاری مواد خام ارزشمند دیگر). آنها تپیش از کسب استقلال سیاسی به راههای صادراتی اتحاد شوروی سابق وابسته بودند، این وابستگی به دلایل جغرافیایی و اقتصادی پس از استقلال در ۱۹۹۱ نیز همچنان وجود داشت.

از این رو ترکمنستان تنها از طریق روسیه به بازارهای خارجی خود در قفقاز و اوکراین دست پیدا می کرد. به دلیل از بین رفتن تجارت و تولید

پس از فروپاشی اتحاد شوروی و نابودی بعدی اقتصاد در کشورهای کمونیستی به دلیل شوک در مانی صندوق بین المللی پول، هیچیک از مشتریهای گاز ترکمنستان دیگر قادر به پرداخت هزینه ها نبودند. از این رو «نیاز آف»، رئیس جمهور ترکمنستان در مارس ۱۹۹۷ واردات این کشور را قطع کرد. روی هم رفته هنوز مبلغی بیش از ۲ میلیارد دلار پرداخت نشده است. نیمی از این مبلغ به بدهیهای روسیه مربوط می شود. به دلیل این وابستگی از سال ۱۹۹۱ به بعد تولید گاز ترکمنستان از ۸۴/۳ میلیارد متر مکعب در سال ۱۹۹۱ به ۳۵/۲ میلیارد متر مکعب در ۱۹۹۶ و در ماههای اول ۱۹۹۷ تنها به ۱۳/۹ میلیارد متر مکعب کاهش یافت و این به معنای ۴۸/۶ درصد افت نسبت به زمان مشابه در سال قبل می باشد.

به این ترتیب خط لوله به قول «شیخ مراد آف»، وزیر خارجه ترکمنستان به «مسئله مرگ و زندگی» برای کشور بدل شده است. با وجود آن که ترکمنستان با ذخایر گازی بالغ بر ۱۲ تا ۱۳ میلیارد متر مکعب چهارمین تولیدکننده بزرگ گاز در سراسر جهان می باشد، اما بدون زیرساخت خط لوله حتی یک سانی متر مکعب هم نمی تواند گاز بفروشد. طبق تحقیقات رسمی ترکمنستان، دولت این کشور امیدوار است با گسترش تولید و احداث خطوط لوله جدید قادر به فروش سالانه حدود ۱۰۰ میلیارد متر مکعب گاز گردد که این به معنی سه برابر شدن کل درآمد صادراتی آن می باشد.

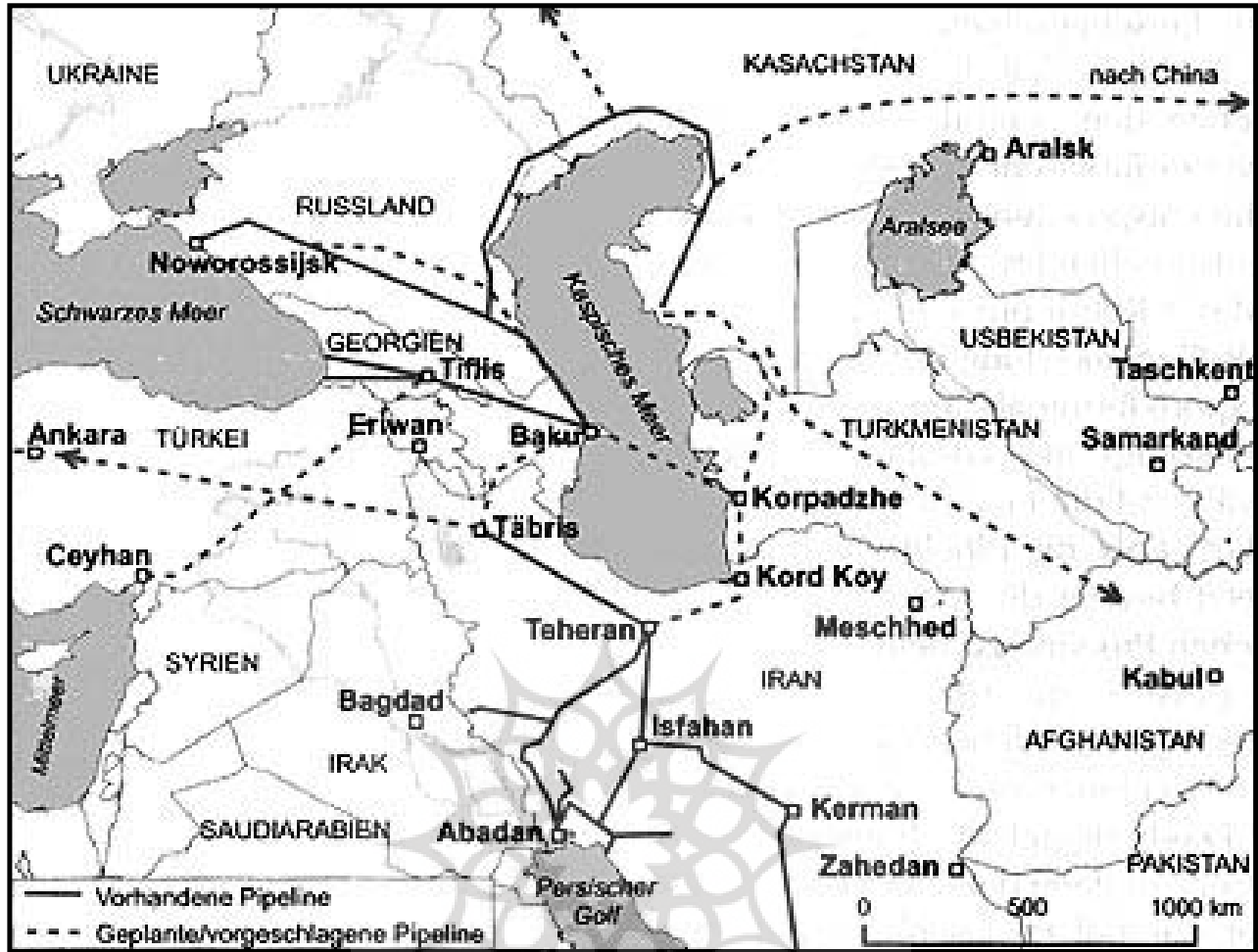
مسئله دیگر در توافقنامه سه جانبه تأمین منابع مالی طرح است، زیرا اوضاع مالی بین المللی به گونه ای است که صندوق بین المللی پول یا بانک جهانی هیچ سهمی در تأمین منابع مالی طرح ندارند. تا ۸۰ درصد منابع مالی لازم برای احداث خط لوله ترکمنستان-ایران با هزینه ساختی بالغ بر ۱۹۵ میلیون دلار از سوی ایران تأمین شده است که با صدور گاز در سه سال اول بازپرداخت می شود. ۷۰ میلیون دلار از این مبلغ برای سرمایه گذاری در احداث پالایشگاه گاز در ترکمنستان در نظر گرفته شده است. اما هزینه احداث خط لوله ترکیه-ایران را دو طرف بطور جداگانه تأمین می کنند به عبارت دیگر هر کشور به هزینه خود بخشی از خط لوله را که در خاکش قرار می گیرد احداث می کند.

توفیق ایران در گشایش خط لوله ترکمنستان به طور شایان توجهی بر آسیای مرکزی تأثیر گذاشته است. وزیر خارجه سابق ایران در مجمع «کرانس موتنانا» در سوئیس، در ژوئن ۱۹۹۶ پیشرفتهای ایران را اعلام کرد. وی «برنامه ارسال گاز ترکمنستان به اروپا از طریق ایران، برنامه استفاده از گاز ترکمنستان در شمال ایران، از جمله در نیروگاه «نکا»، مشارکت ایران در اتحادیه نفتی آذربایجان «آهارنیتس» (Aha Renitz)، ارسال گاز ایران به نخجوان و ارمنستان و بعد به گرجستان و اوکراین، و برنامه مبادله تجاری با نفت قزاقستان» را یادآور شد.

شبكة راه آهن اوراسيا كه ابتدا توسط همكاران «لاروش» در ۱۹۹۲ پیشنهاد شد.





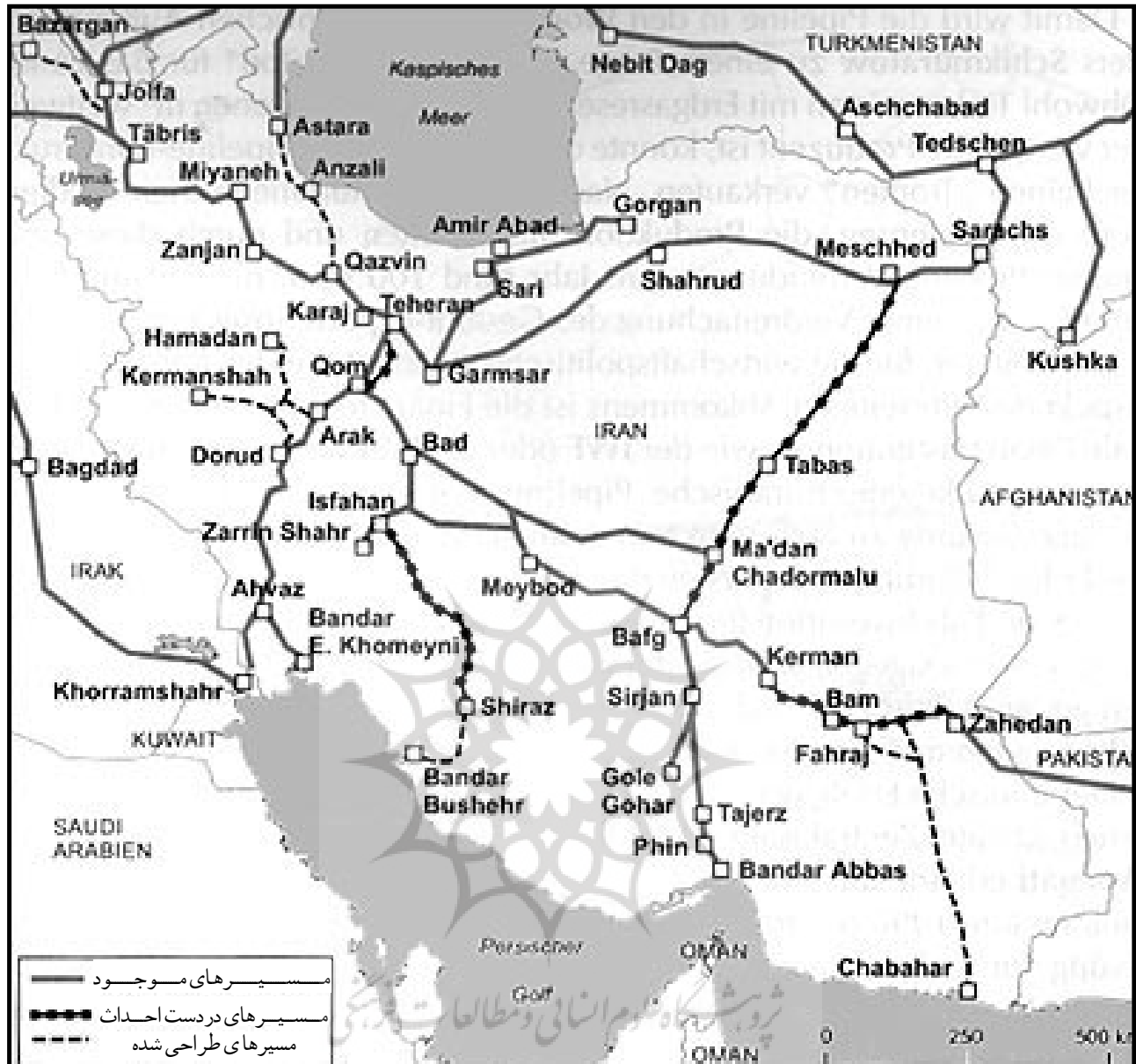


دالانهای توسعه‌زیرساخت‌ها، برای توسعه و تحول آتی آسیای مرکزی از اهمیت تعیین کننده‌ای برخوردار است. این مطلب بدین معناست که مسیرهای انتقال ناحیه‌ای به عرض ۱۰۰ کیلومتر را در امتداد راه آهن پوشش خواهد داد؛ آنگاه به موازات راه آهن، راههای ارتباطی انتقال برق و خطوط لوله نفت و گاز و سامانه‌های تأمین آب (به انضمام سامانه ضروری آبرسانی) و خطوط ارتباط کابلی نیز به جریان می‌افتد. در مراکز جدید شهری که به دنبال این تحول به وجود می‌آیند، انرژی برای صنایع، استخراج معادن، کشاورزی و مصرف خانگی به کمک نیروگاههای هسته‌ای فراهم خواهد آمد. از آنجا که اغلب مناطق این دالانها بیش از ۵۰ کیلومتر از «رگه اصلی» فاصله ندارند، می‌توان مناطق خارجی را با ارتباطات فرعی به آنها پیوست.

اندیشه‌ی احداث چنین دالانهایی برای توسعه زیرساخت‌ها، بویژه در توافقنامه میان ترکمنستان و ترکیه مشاهده می‌شود؛ اما هدف از این تلاشها، گسترش آنهاست.

در عمل، ایران در بخشی از مبادلات تجاری به عنوان میانجی میان جمهوری‌های آسیای مرکزی و بازارهای جهانی عمل می‌کند. در حالی که ترکمنستان یا قزاقستان نفت خام را به شمال ایران می‌فرستند، ایران مقادیر معادلی از نفت خود را به حساب آنها به فروش می‌رساند. در ۱۹۹۶ قزاقستان توافقنامه‌ای به امضا رساند که بر طبق آن ایران در ابتدا سالانه دو میلیون تن از نفت خام استخراج شده از دریای خزر را دریافت می‌کند و در مقابل به همان میزان از نفت خام خود را در پایانه‌های صادراتی در خلیج فارس به مشتریان قزاقستان ارائه می‌دهد. البته اینگونه مبادلات تجاری تنها اقداماتی موقت و گذرا هستند که تا زمان تکمیل خطوط لوله نفت سودمندند. البته هدف از این سیاست درازمدت آن است که خطوط لوله در کل منطقه تکمیل گردد. هم‌اکنون این امکان وجود دارد که قزاقستان نیز در احداث خط لوله ترکمنستان-ایران مشارکت جوید.

در نظر گرفتن راههای ارتباطی به صورت خط لوله و راه آهن به عنوان



هوایی میان لبنان و ایران با همتای خود مشغول گفتگو بود. به این وسیله کشورهای مهم جهان عرب به پل اوراسیا و از طریق مصر به آفریقا مرتبط می‌گشتند.

توافقنامه‌ای که در سپتامبر ۱۹۹۷ با جامعه مللی نفت چین، در مورد سرمایه‌گذاری روی پروژه نفت و گاز قزاقستان به امضای رسید، احداث خط لوله بزرگی از ایران را نیز در بر می‌گرفت. چین و ایران در مورد همکاری برای توسعه روستایی و احداث سیلو، سیل بند و زیرسازای خطوط آهن نیز مذاکره کردند.

در این بین میان ارمنستان - ترکمنستان، ترکمنستان - اوکراین، هند -

همکاری ایران با آذربایجان حول ساخت جاده و راه آهن متمرکز است. در اکتبر ۱۹۹۷ توافقنامه‌ای در مورد امکانات نقل و انتقال میان اردبیل و نخجوان به امضای رسید. در اکتبر ۱۹۹۷ «کالیف» (Kalijew)، وزیر حمل و نقل قزاقستان عقد توافقنامه سه جانبه‌ای را میان چین، قزاقستان و ایران پیشنهاد کرد که بر اساس آن خطوط آهن از میان سه کشور می‌گذشت.

در همان زمان «عمر میسکوی» (Omar Miskawi) وزیر حمل و نقل لبنان در مورد ساخت شبکه حمل و نقل آسیای مرکزی میان ایران، لبنان و دولتهای آسیای مرکزی و نیز در مورد برقراری ارتباط

تر کمستان و یونان - ارمنستان يك همكاری چندجانبه به وجود آمد.

خطوط لوله برای استثمار یا توسعه؟

طبیعی است که شرکتهای بزرگ و بین المللی نفت از سیاست مشارکت در توافقنامه احداث خط لوله، پیروی کنند. شرکتهای متعلق به کشورهای مشترک المنافع انگلیس آنهار اهدایت می کنند می خواهند با مشارکت در این طرح به نفت خام دست یابند و کشورهای مالک این منابع را به سبک سستی و استعماری خود استثمار کنند. این واقعیتی است که در پشت «قرارداد صدساله» که در سپتامبر ۱۹۹۴ میان اتحادیه ای از ۱۱ شرکت نفتی و آذربایجان به منظور استخراج حوزه های نفتی حوالی باکو در دریای خزر به امضای رسید و وجود دارد. این پروژه به طور مشخص از سوی «بریتیش پترولیوم» هدایت می شود. واقعیت دیگر آن است که در پشت رخدادهای آسف بار افغانستان، پاکستانها، شرکت انگلیسی «یونو کال» (Unocal) که در آمریکا مستقر می باشد و نیز جامعه نفتی «دلتا» (Delta) در عربستان از متعصبان شورشی طالبان حمایت مالی، لجستیکی و نظامی به عمل می آورند. استراتژی طالبان آن است که کشور رازیر چنگال قهر آمیز خود در آورند تا بدین وسیله به خط لوله صادرات تر کمستان به افغانستان و پاکستان و از آنجا به شهر بندری کراچی در پاکستان دست یابند.

هدف اتحادیه های بزرگ مشترک المنافع از این اقدام و نیز دیگر تحولات مرتبط با آن این است که روسیه و بویژه ایران را از میدان به در کنند یا دستکم آنهار اودر بزند. این موضوع گویای آن است که چقدر سالهای اخیر، ایران با چنین شتابی سیاست احداث خطوط لوله را دنبال کرده است؛ ایران می خواهد بدون دست دادن وقت و پیش از آن که طالبان و دیگران انجام مانورهای سیاسی را برای آن کشور ناممکن سازند، واقعیت های اقتصادی را مسجل سازد و به علاوه در صدد همکاری با روسیه، آذربایجان و ارمنستان بر آید. همین واقعیت روشن می سازد که چرا دولت ایران با آرامش و به گونه ای تزلزل ناپذیر در صدد میانجیگری برای عقد يك توافقنامه صلح در افغانستان می باشد.

بیشترین اهمیت پیوستن ایران و آسیای مرکزی به پیل اور آسیا در عمل مبنی بر دو مؤلفه تمایل انگلیس به نفت دریای خزر، و جنگ افغانستان است. در هر دو مورد ایران سیاست صلح از طریق مذاکره را دنبال می کند.

نزاع بر سر دریای خزر

در بولتن «اوپک»، شماره نوامبر - دسامبر ۱۹۹۶، آقای «اردبیلی»، نماینده ایران در این سازمان با نگاهی جامع بر این واقعیت به اظهار نظر پرداخته است. دولتهای حاشیه دریای خزر (آذربایجان، ایران، روسیه، تر کمستان و قزاقستان) در ۱۹۹۴ حدود ۱۵۰ میلیارد بشکه نفت و بیش از

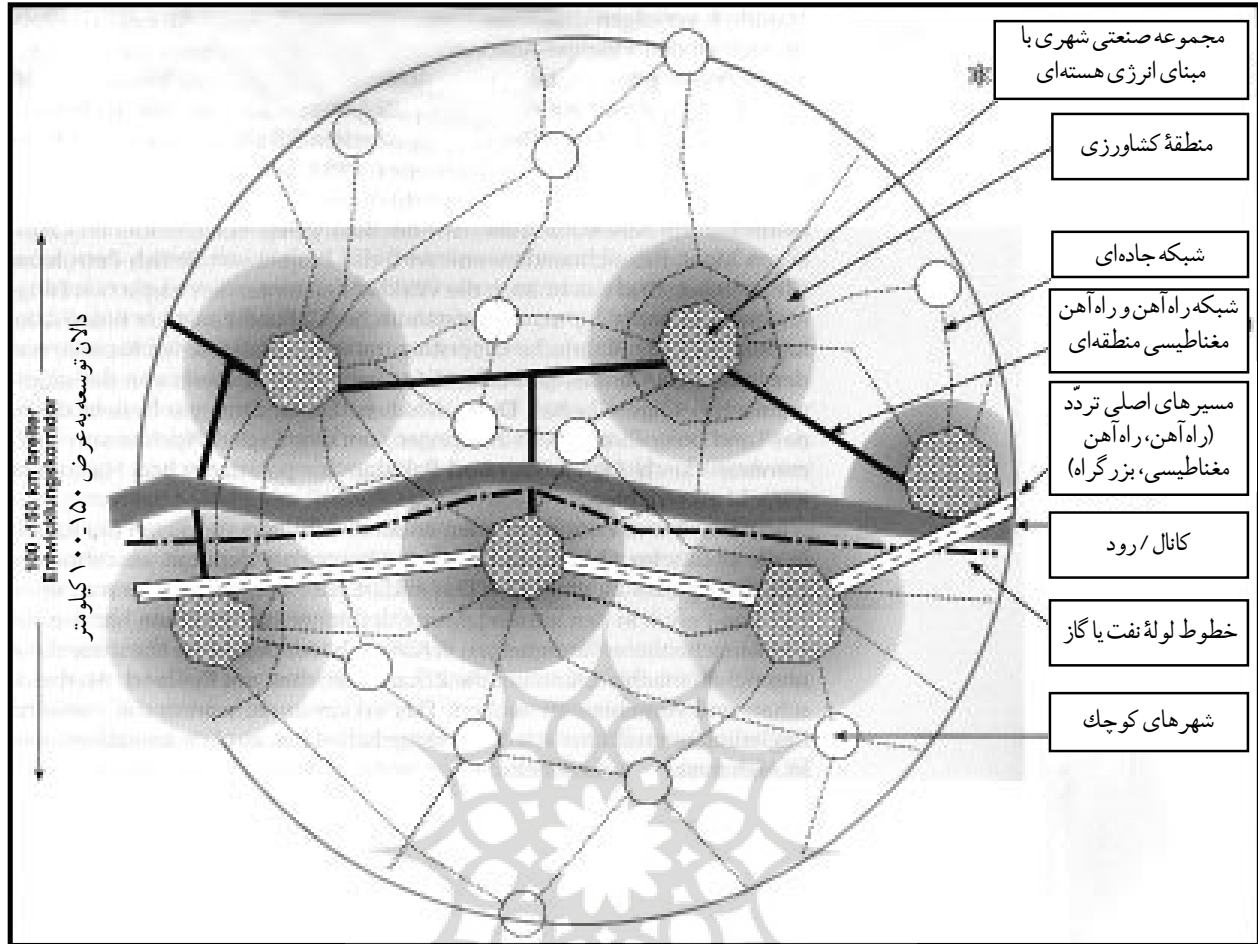
۷۵ میلیارد متر مکعب گاز در اختیار داشتند که ۱۵ درصد منابع نفت و ۵۰ درصد ذخایر گاز جهان را شامل می شد. با توجه به تقاضای فزاینده نفت و گاز (بویژه در آسیا که وابستگی آن به واردات نفت تا سال ۲۰۱۰ از ۵۰ به ۷۰ درصد افزایش خواهد یافت)، روسیه و دولتهای آسیای مرکزی در آینده به بزرگترین عرضه کنندگان نفت و گاز به آسیا در این منطقه بدل خواهند شد.

بجز ایران، کلیه دولتهای حاشیه دریای خزر در فاصله سالهای ۱۹۷۵ و ۱۹۹۴ از تولید نفت این حوزه خودداری کردند؛ کلیه دولتهای جانشین اتحاد شوروی سابق نیز تا به امروز گرفتار يك زیر ساخت کاملاً فرسوده می باشند. علاوه بر این مسیر خط لوله دیگری نیز برای آنها وجود ندارد.

به گفته آقای «اردبیلی»، در زیر دریای خزر دستکم ۲۸ میلیارد بشکه ذخایر تثبیت شده نفتی وجود دارد. ارزیابیهای دیگر در این منطقه حاکی از وجود ۶۸ میلیارد بشکه نفت می باشد. در سال ۱۹۴۰ اتحاد شوروی و ایران (که در آن زمان تنها کشورهای حاشیه دریای خزر بودند) توافقنامه ای به امضا رسانند که تداوم قرارداد دو جانبه ۱۹۲۱ بود. این توافقنامه برای دو کشور متضمن امکان دستیابی و استفاده از دریای خزر به میزان برابر بود و در عین حال دست هر دولت دیگری را از آن کوتاه می ساخت. در ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ دولتهای جدید التأسیس حاشیه خزر، تر کمستان، قزاقستان و آذربایجان، در آلماتی خود را در قبال قراردادهایی که از سوی اتحاد شوروی سابق به امضای رسید، متعهد اعلام کردند. البته در قرارداد ۱۹۲۱، استخراج ذخایر موجود در زیر آب به طور مشروح ذکر نشده بود. روسها در پنجم اکتبر ۱۹۹۴ ضرورت تأکید بر این موضوع را که قراردادها نامبرده به کل منطقه دریای خزر مربوط می شوند، به سازمان ملل اعلام کردند و خواستار آن شدند که هیچیک از دولتها، حق اقدامات یکجانبه برای استخراج ذخایر زیر آبی خزر را نداشته باشد.

طبق پیشنهاد روسها، منطقه خزر را به پنج ناحیه تقسیم می شد که وسعت آنها نیز باید مورد مذاکره قرار می گرفت یا ۲۰ تا ۳۰ مایل از کل منطقه در اختیار هر کشور قرار می گرفت و بقیه آن زیر نظر جامعه ای متشکل از کل این دولتها حفظ می شد. ایران و روسیه به دولتهای حاشیه خزر فشار آوردند که وارد مذاکره شوند و چارچوب حقوقی مربوطه را تعیین کنند؛ تر کمستان نیز از این فراگرد حمایت کرد. در نوامبر ۱۹۹۶ وزیرای خارجه سه کشور با یکدیگر دیدار کردند و برای تشکیل يك جامعه مشترک روسی - ایرانی به منظور استخراج منابع خزر بر نامبردی کردند؛ البته تحقق چنین فراگردی (و نیز فراگردهای قابل تصور دیگر) موکول به تبیین قطعی مسایل حقوقی آن بود.

ایران با برقراری مجموعه ای از تماسهای دیپلماتیک و گفتگو با آذربایجان در مورد همکاری های اقتصادی در پی اراییه يك راه حل سیاسی بوده است. در ۱۶ ژانویه ۱۹۹۸ (۲۶ دی ماه ۱۳۷۶) روزنامه اطلاعات از يك پیشرفت تعیین کننده در این راه خبر داد. به نوشته این روزنامه جامعه نفتی و



تهران برگزاشد، روابط میان این دو سیاستمدار عمیق تر گردید و توافقنامه‌ای منعقد شد که بر اساس آن پاکستان موظف به استفاده از نفوذ خود بر طالبان گردید تا آنان را بر سر میز مذاکره بنشاند. پس از آن طالبان با گفتگو میان روحانیان منتخب مسلمان موافقت کردند.

شایان تأکید است که این روزنه امید پیامد تعدیل فضایی است که بر روابط ایران و آمریکا حاکم بوده است. پس از اعلام عدم ممانعت کاخ سفید از اجرای پروژه خط لوله تر کمستان-ایران- ترکیه در اوت ۱۹۹۷، در سازمان ملل مذاکراتی با حضور نمایندگان دو کشور ایران و آمریکا صورت گرفت.

اگر توافقنامه‌ای که روسیه نیز بدان پیوست به یک راه حل مسالمت آمیز بینجامد، راه یکپارچه سازی افغانستان در پل اوراسیا، هموار خواهد شد؛ در این صورت ضمن احداث خطوط آهن و خطوط لوله در افغانستان، این کشور جنگزده می تواند به دادوستد سازنده‌ای با کشورهای کل قاره اوراسیا دست یابد.

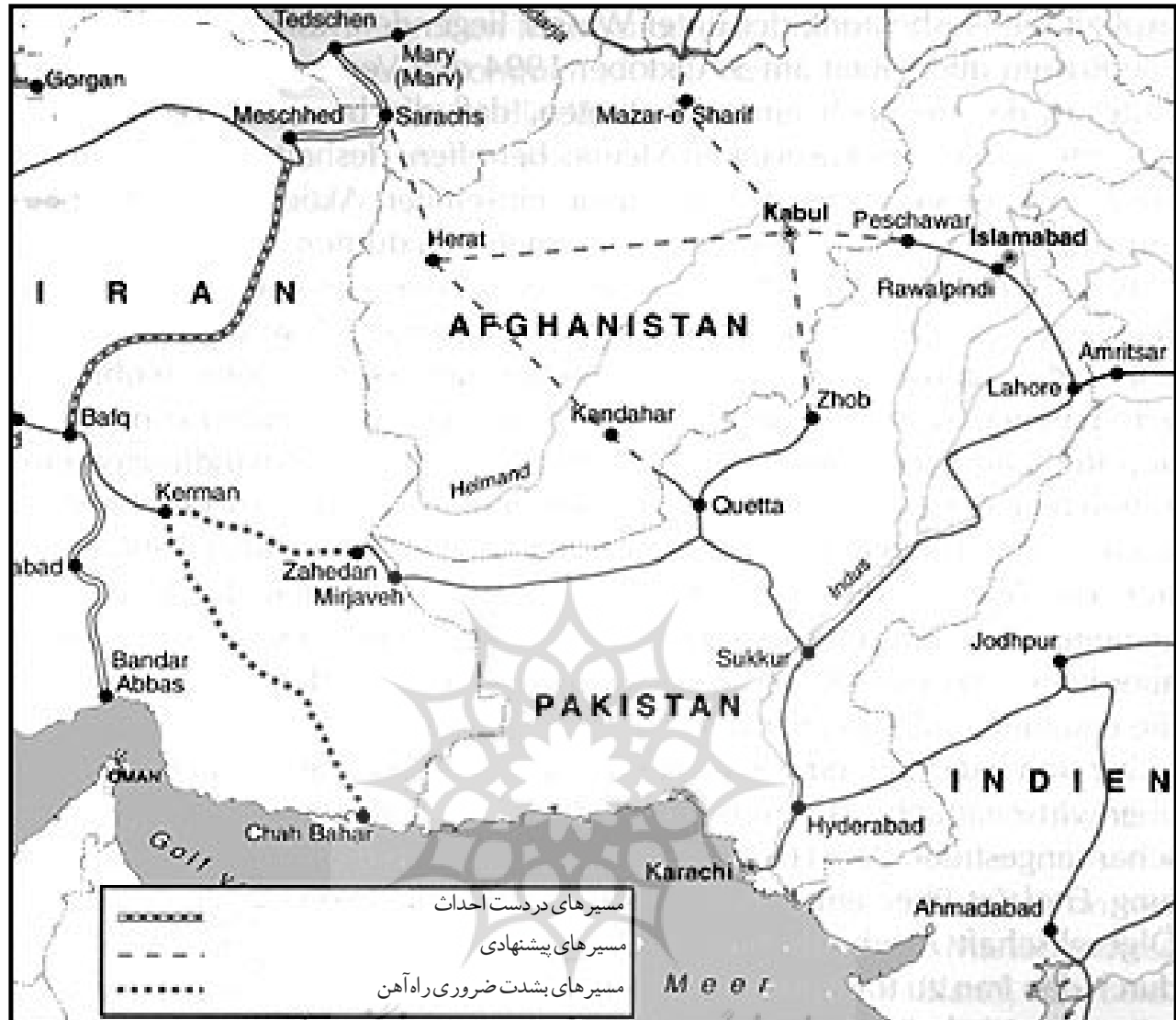
«یونو کال» / «دلتا» برنامه احداث خط لوله گازی را تهیه کرده است که

دولتی آذربایجان (سوکار) (Socar) مصمم به انتقال نفت خود از طریق ایران می باشد. «ناطق علیف» (Natik Alijew) رییس «سوکار»، تأکید کرد که «آذربایجان بر نامهریزی کرده است که نفت خود را از طریق ایران صادر کند». این مطلب می تواند به معنای آن باشد که ذخایر نفت آذربایجان در دریای خزر کاملاً تحت کنترل اتحادیه شرکتهای مشترک المنافع «بریتیش پترولیوم» قرار نداد و این کشور می تواند به شبکه خطوط لوله‌ای که از ایران می گذرد، بپیوندد.

مصیبت در افغانستان

ایران باینیت خاتمه دادن به جنگ افغانستان که کل منطقه را در معرض خطر بی ثباتی قرار داده برای انجام مذاکراتی با کلیه جناح های سیاسی و دول همسایه زیر نظر سازمان ملل دست به کار شده است. در سپتامبر ۱۹۹۷ هدف از مذاکرات آقای خرازی، وزیر خارجه ایران و همتای پاکستانیش در نشست مجمع عمومی سازمان ملل، ایجاد روزنه‌ای در بن بست ایجاد شده بود. در زمان اجلاس سران سازمان کنفرانس اسلامی که در ماه دسامبر در

مسیرهای اصلی ارتباطی در افغانستان



به شکل راه آهن و خطوط لوله) بگذرد ایران در داخل نیز سیاست تغییر سازمان اقتصادی را به اجرا گذاشته که برای بسیاری از دولتهای آسیای مرکزی بر خوردار از مواد خام، الگو شده است. برنامه اقتصادی ایران برای ۲۵ سال آینده («ایران ۱۴۰۰») دارای دو هدف استراتژیک توسعه نو سازی حوزه نفت و گاز به منظور رساندن تولید به حداکثر، و ایجاد تنوع کلی در تولیدات می باشد تا به وابستگی به صادرات نفت خاتمه داده شود.

ایران در حوزه نفت و گاز با برخی از شرکتهای خارجی قراردادهایی منعقد ساخته است؛ مهمترین آنها قراردادهایی است که با شرکتهای «بتروناس» (مالزی) (در سپتامبر ۱۹۹۷)، «گاز پروم» (روسیه) و «توتال» فرانسه با هدف راه اندازی و توسعه حوزه نفتی «پارس جنوبی» منعقد شده است. این حوزه نفتی در ساحل واقع شده است و حجمی بالغ بر دو میلیارد

از غرب افغانستان تا شهر بندری کراچی در پاکستان ادامه می یابد؛ این پروژه دو میلیارد دلار هزینه در بردارد. بعلاوه «یونو کال»/ «دلنا» ضمن پیشنهاد احداث یک خط لوله نفت در امتداد این مسیر سرانجام برنامه هایی را برای اجرای یک پروژه پنج میلیارد دلاری به منظور احداث راههای آهن از قفقاز در ترکمنستان به کوئته در پاکستان اعلام کرده است. اگر این پروژه ها در چارچوب ارایه راه حلی سیاسی برای جنگ افغانستان اجرا شود و به انعقاد قراردادی میان کلیه طرفهای درگیر در مورد دسترسی به منابع و توسعه آنها در دریای خزر منجر گردد، به احتمال می تواند سهمی در بازسازی این کشور داشته باشد.

«ایران ۱۴۰۰»

علاوه بر ایجاد پلی از کشورها که از سراسر منطقه آسیای مرکزی

شخصی، باری و کشاورزی تولید می‌کند. این شرکت، موتور و قطعات مینی‌بوس را خود می‌سازد. در همین زمان قراردادی برای تولید مشترک تلویزیون رنگی، صفحه نمایش رایانه، یخچال و مبلمان منعقد گردید. در ژانویه ۱۹۹۸ قرقیزستان از ایران دعوت کرد تا در پروژه احداث جاده، ساخت ماشینهای صنعتی، دستگاههای سمعی-بصری و نیز مخابرات مشارکت جوید.

جای شگفتی نیست که «آسیموف»، نخست‌وزیر تاجیکستان در مذاکرات خود با خرازی، از ایران دعوت کرد که تاجیکستان را در بازسازی و ادامه توسعه کشور، یاری دهد.

ساختارهای سازمانی

سیاست خارجی ایران بر اندیشه امنیت با همکاری اقتصادی پایه می‌گیرد و از این رو ایران در بسیاری از سازمانهای منطقه‌ای مشارکت دارد؛ گواه این مطلب بویژه شرکت ایران در سازمان همکاری اقتصادی، «ااکو» و «گروه-۸» کشورهای در حال توسعه می‌باشد. در دسامبر ۱۹۹۷ اجلاس سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی با عضویت ۵۵ کشور اسلامی آسیا، اروپا و آمریکا در تهران برگزار شد. در این نشست که با حضور رؤسای جمهور و رهبران این کشورها صورت گرفت، برای ایجاد بازار مشترک اسلامی به منظور تبدیل سازمان کنفرانس اسلامی به یک ابزار مؤثر برای توسعه اقتصادی و علمی گام‌هایی برداشته شد.

توفیق بی نظیر اجلاس سران عضو سازمان کنفرانس اسلامی نقطه اوج روندی است که طی آن ایران از وضعیت یک «عصر منزوی» خارج شد و به قدرتی بیشتر و در جهان اسلام، (نه به مفهوم برتری ایدئولوژیکی یا فرقه‌ای، بلکه از طریق اقدام در عرصه اقتصاد سیاسی و خارجی با جهت‌گیری به سوی توسعه) مبدل گردید. نتیجه حضور ایران به عنوان میانجی دیپلماتیک در مناطق بحرانی آن شد که جنگ داخلی تاجیکستان با ابتکار عمل ایران-روسیه خاتمه یافت و همین حضور، امید به راه‌یابی راه حل سیاسی برای درگیری افغانستان را نیز زنده نگه می‌دارد.

از این گذشته ایران پیگیر روند نزدیکی مجدد به برخی دول عرب (از جمله عربستان، مصر و حتی عراق) می‌باشد. با وجود درگیری طولانی ایران با آلمان بر سر ماجرای دادگاه «میکونوس»، روابط با کشورهای عضو اتحادیه اروپا از سر گرفته شده است. واقعیت‌های اقتصادی که در پی عقد قراردادهای زیرساختی دو چند جانبه به منصفه ظهور رسید، در عمل تحریم‌های برنامهریزی شده علیه ایران از جمله قانون «داماتو» راملگی ساخت. بویژه پس از انتخابات ریاست جمهوری در مه ۱۹۹۷ (دوم خرداد ۱۳۷۶) که طی آن آقای سید محمد خاتمی به قدرت رسید، فضای بین‌المللی درباره ایران دگرگون شد و چشم‌انداز برقراری مجدد روابط سیاسی بهبود یافت.

دلار ادو بر می‌گیرد. از اولین واحدهای که در ژوئیه ۲۰۰۱ مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت، قرار است روزانه حدود ۱۴ میلیون متر مکعب گاز استخراج شود؛ سه واحد دیگر برای سالهای بعد سفارش داده شده‌اند. در بخش دوم و سوم این طرح روزانه بیش از ۵۶ میلیون متر مکعب گاز و ۷۰ الی ۷۵ هزار بشکه گاز مایع در این شبکه ملی برای مصرف داخلی یا مایع‌سازی ذخیره خواهد شد (به انضمام صادرات). سرمایه لازم نیز از طریق پیمانکاران گاز در هفت سال آتی پرداخت می‌گردد.

در پایان سال ۱۹۹۷ کشف حوزه دیگری از ذخایر نفت و گاز اعلام گردید. آقای «محدث»، رییس توسعه «شرکت ملی نفت ایران» اظهار داشت که از سال ۱۹۹۳-۹۴ در حوزه‌های متعدد گاز ایران بالغ بر ۱/۵ میلیارد بشکه نفت، بیش از ۹۰۰ میلیارد متر مکعب گاز و ۶۰۰ میلیون بشکه گاز مایع کشف شده است. ایران امیدوار است که در حوزه‌های دیگر نیز ۵۶ میلیارد متر مکعب دیگر گاز و ۱۵ میلیارد بشکه نفت کشف کند؛ در حال حاضر ۳۰۰ مورد حفاری آزمایشی در دست اجراست.

تولید نفت ایران پس از پایان جنگ ایران و عراق در ۱۹۸۸ از روزانه ۲/۴ میلیون تن به ۴/۱ میلیون تن در ۱۹۹۷ افزایش یافته است.

هدف سیاست اقتصادی ایران در داخل، تنوع بخشیدن به ظرفیتهای تولید است تا درآمدهای صادراتی از وابستگی به نفت و گاز خارج شود. از این رو ایران علاوه بر توسعه صادرات اقلام دیگر بویژه کالاهای آماده، سعی در احداث نیروگاه هسته‌ای دارد. صرف نظر از این مطلب، در سال ۱۹۹۵ قرارداد دادی به منظور ادامه فعالیت‌های مربوط به احداث نیروگاه اتمی بوشهر و ارسال دور آکتور آبی باروسیه بسته شد. این قرارداد در ۱۹۷۹ تنظیم شده بود.

در این زمان در نقاط مختلف کشور نیروگاه‌های آبی جدیدی با ظرفیت گل ۸۵۰۰ مگاوات ساخته شده که قرار است بین سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ راه‌اندازی شوند.

تجارب ایران می‌تواند برای کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی بسیار آموزنده باشد. ایران در شرایط بین‌المللی بشدت نامطلوبی (تحریم‌های اقتصادی، بویژه انرژی سیاسی) قادر به بهره‌برداری از ذخایر مواد خام خود شده است، بی آن که به اتحادیه‌های مشترک المنافع بین‌المللی اجازه دخالت دهد. کلید موفقیت اقتصادی و سرانجام توفیق سیاسی ایران در تمرکز فزاینده بر تکمیل پل کشوری اوراسیا و اجرای اولویتهای زیرساختی در قالب این برنامه بزرگ توسعه می‌باشد.

با بسیاری از کشورهای آسیای مرکزی «سرمایه‌گذاری‌های مشترک» در بخش صنعت صورت گرفته است. برای ذکر تنها یک مثال می‌توان به اواخر اکتبر ۱۹۹۷ اشاره کرد که قرقیزستان شرکت ایرانی «زامیاد» را به همکاری در خودروسازی بویژه تولید مینی‌بوس دعوت کرد. «زامیاد» که از ۳۰ سال پیش یک شرکت دولتی است، خودروهای